

افزایش مبادلات تجاری میان اعضای اگو ضروری است

نشاره:

ترتیبات تجاری منطقه‌ای و مشارکت در آنها، شرایطی را برای گسترش امنیت و صلح منطقه‌ای و بهره‌گیری وسیع‌تر از توانمندی‌های موجود و بقوه اقتصادی منطقه در مسیر دستیابی به رشد و توسعه پایدار اقتصادی کشورهای عضو ایجاد می‌کند.

عضویت در پیمان‌های منطقه‌ای نه تنها روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران را از نظر سیاسی تقویت کرده، بلکه می‌تواند منشأ کسب منافع اقتصادی باشد. از این رو در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی به‌ویژه در دوران بعد از جنگ تحمیلی، دولت تلاش بیشتری برای تحکیم مناسبات سیاسی - اقتصادی جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه با کشورهای منطقه در قالب ترتیبات تجاری منطقه‌ای به‌عمل آورده است.

یکی از این پیمان‌های منطقه‌ای که خایز اهمیت است، سازمان همکاری اقتصادی (اگو) می‌باشد که جمهوری اسلامی ایران در آن حضوری فعال دارد، هر چند که تحت تأثیر عوامل گوناگون هنوز بهره‌گیری از ترتیبات تجاری اگو در حد قابل قبول تحقق نیافته است.

در این مقاله به بررسی تاریخچه تشکیل سازمان همکاری اقتصادی (اگو)، عملکرد آن در سال‌های اخیر و عوامل مؤثر در این امر می‌پردازیم.

تاریخچه

تاریخچه تأسیس سازمان همکاری اقتصادی (اگو) به دهه ۱۹۵۰ برمی‌گردد. در سال ۱۹۵۵ پیمان بغداد به‌وجود آمد که امضاءکنندگان آن کشورهای ترکیه، پاکستان، ایران، عراق، آمریکا و انگلستان بودند و هدف از آن جلوگیری از پیشرفت‌های احتمالی شوروی سابق در خاورمیانه بود.

سه سال بعد، عراق از این پیمان کناره‌گیری کرد و این پیمان با نام جدید سازمان پیمان مرکزی (ستو) به فعالیت خود ادامه داد. ستو به‌طور عمده اهداف نظامی را تعقیب می‌کرد و لذا سه عضو

اصلی آن یعنی ایران، پاکستان و ترکیه، اتحادیه جدیدی با عنوان «همکاری منطقه‌ای برای توسعه» (RCD) را به‌وجود آوردند. اهداف عمده آر.سی.دی، آزادسازی تجارت از طریق انعقاد توافقنامه‌های تجاری، اجرای پروژه‌های اقتصادی مشترک، مطالعه برای بهبود راه‌های ارتباطی میان سه کشور عضو (اعم از زمینی، هوایی و دریایی) و انجام سرمایه‌گذاری‌های مشترک به‌ویژه در بخش حمل و نقل بود. «همکاری منطقه‌ای برای توسعه» در سال ۱۹۶۵ به‌طور رسمی کار خود را با دایر ساختن دبیرخانه‌اش در تهران آغاز

کرد و در نخستین دهه فعالیت خود، پرکار ظاهر شد و توانست پروژه‌های مختلفی را در زمینه‌های آزادسازی تجاری و سرمایه‌گذاری مشترک در بخش‌های صنعتی، مالی و حمل‌ونقل اجرا کند.

البته آر.سی.دی در بخش آزادسازی تجارت در درون منطقه موفقیت زیادی کسب نکرد، زیرا توانست دستورالعملی برای رونق تجارت در حد قابل قبول میان بنیانگذاران تدوین کند.

از سوی دیگر آر.سی.دی نتوانست شیوه‌ای را برای تحرک منابع در منطقه به‌وجود آورد. در نتیجه دستاوردهای آن

با وجود اجرای پروژه‌های مشترک صنعتی، مالی و حمل و نقل درخور توجه نبود.

از این رو ضرورت تجدیدنظر در ساختار همکاری این پیمان منطقه‌ای کاملاً ملموس بود. در کنفرانس سران «همکاری منطقه‌ای برای توسعه» در سال ۱۹۷۶ در ترکیه، توافق‌های جدیدی با عنوان موافقتنامه از میر میان سه کشور عضو به دست آمد. در این موافقتنامه اهداف و نیز تشکیلات آینده آر.سی.دی مشخص گردید که مهمترین بخش آن ایجاد منطقه آزاد تجاری آر.سی.دی ظرف یک دوره ده ساله بود. اما به لحاظ بروز تغییرات مهم سیاسی در کشورهای عضو این پیمان، مفاد موافقتنامه از میر به تصویب اعضا نرسید و تا اواسط دهه ۱۹۸۰ این وضعیت باقی ماند.

با وجود آنکه آر.سی.دی با پشتیبانی آمریکا تأسیس شد و سه کشور عضو آن از هم پیمانان آمریکا در دهه ۱۹۷۰ بودند و لذا انتظار می‌رفت که در بخش اقتصادی موفقیت‌های چشمگیری کسب کند، اما عملکرد آن با وجود اجرای پروژه‌های مشترک به ویژه در بخش گسترش تجارت درون منطقه با موفقیت درخور توجهی روبه‌رو نشد.

از سوی دیگر در قالب توافق‌های به عمل آمده میان اعضای آر.سی.دی قرار بود ۳۰ طرح صنعتی و ۱۳ طرح پتروشیمی در کشورهای عضو اجرا شود، اما در عمل فقط ۳ طرح (تولید آلومینیوم در ایران، تولید کاغذ اسکناس و نیز بلبرینگ در پاکستان) به اجرا درآمد. در همین حال اعضای آر.سی.دی ۱۶ تفاهمنامه در زمینه‌های بازرگانی، اجتماعی و اقتصادی (صنعت، کشاورزی، خدمات مالی، حمل و نقل، همکاری‌های فنی و اطلاع‌رسانی) امضا کرده بودند که به طور کامل اجرا نشد. اما مهمترین مسأله در زمینه فعالیت

آر.سی.دی مربوط به آن بود که این پیمان منطقه‌ای می‌بایست توجه ویژه‌ای به منافع اقتصادی منطقه‌ای و گسترش همکاری‌های اقتصادی و بازرگانی میان سه کشور عضو داشته باشد. اما کمبود سرمایه، نامشخص بودن زمینه‌های مناسب گسترش تجارت میان اعضا، ضعف‌های بنیة اقتصادی، علمی و فنی سه کشور عضو آن موجب شد که عملکرد کاملاً موفق نداشته باشد.

در اواسط دهه ۱۹۸۰، پیمان آر.سی.دی بار دیگر احیا شد و با نامی تازه «سازمان همکاری اقتصادی» (اکو) به موجودیت و فعالیت خود ادامه داد.

در کنفرانس اسلام‌آباد در سال ۱۹۹۰ اکو حیات خود را بازیافت و دبیرخانه آن در تهران دایر شد. در نشست سران اکو در تهران در سال ۱۹۹۲، هفت کشور دیگر منطقه شامل افغانستان، جمهوری آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، ترکمنستان، تاجیکستان و ازبکستان به اکو پیوستند و شمار اعضای اکو به ۱۰ کشور افزایش یافت و منطقه‌ای وسیع با بیش از ۳۰۰ میلیون سکنه را دربرگرفت.

سازمان همکاری اقتصادی در حیات دوباره خود بیشتر جهت‌گیری‌های اقتصادی را مدنظر قرار داد. به منظور گسترش تجارت میان ۱۰ کشور عضو، اکو اهداف تازه‌ای را انتخاب کرد و دنبال می‌کند که گسترش تجارت میان اعضا از طریق دسترسی آزادتر به بازارهای یکدیگر و مشارکت در رشد تجارت جهانی و از میان برداشتن سیاست‌های بازرگانی نابرابر که به ایجاد شرایط نامساعد تجاری در کشورهای در حال توسعه منتج می‌شود، از جمله آنهاست. در اجلاس تهران، برقراری نظام محدود ترجیحات تعرفه‌ای و کاهش ۱۰ درصد تعرفه‌های تجاری میان کشورهای عضو به تصویب رسید.

در نشست ترکیه در سال ۱۹۹۳ نیز دورنمای بلندمدت فعالیت اکو طراحی شد که در آن به تحرک منابع طبیعی و نیروی کار بر اساس اقتصاد مبتنی بر بازار در میان کشورهای عضو تأکید گردید.

با وجود آنکه در نشست‌های بعدی سران و نیز وزرای خارجه اکو توافق‌های اقتصادی دیگری نیز تحصیل شد که اجرای آنها می‌تواند به گسترش مناسبات درون منطقه‌ای اعضا بینجامد، لیکن هنوز اکو جایگاه واقعی خود را نیافته است.

در این راستا بررسی عوامل مؤثر در گسترش همکاری میان اعضا و توانمندی‌های موجود و نیز موانع کار ضرورت دارد.

در یک بررسی اجمالی می‌توان گفت زمینه‌های مساعدی برای گسترش همکاری‌های اقتصادی در اکو وجود دارد که عبارتند از: موقعیت جغرافیایی، ضرورت‌های سیاسی و امنیتی، مقتضیات بین‌المللی، مشترکات فرهنگی و تاریخی و مذهبی (با وجود آنکه در کشور ازبکستان و قزاقستان از اعضای اکو در شمار کشورهای مسلمان نمی‌باشند)، منافع اقتصادی ناشی از همکاری‌های چندجانبه، امکان همکاری با دیگر سازمان‌های منطقه‌ای و استفاده از تسهیلات سازمان‌های تخصصی و بین‌المللی برای اجرای پروژه‌های مشترک، گسترش شبکه‌های ارتباطی میان کشورهای عضو و بهره‌برداری مشترک از آنها، بهره‌گیری از نهادهای اقتصادی مشترک مانند بانک، بیمه، کشتیرانی و هواپیمایی، امکان اجرای پروژه‌های مشترک صنعتی، کشاورزی و تحقیقاتی و امکان گسترش مبادلات بازرگانی از طریق تعیین سقف برای مبادلات و تسهیلات تعرفه‌ای مربوط به آن و...

اکو بازاری با بیش از ۳۰۰ میلیون جمعیت را در بر می‌گیرد که سرمایه‌گذاری‌های مشترک اقتصادی در

زمینه‌های گوناگون را از بازده مناسب و قابل توجه برخوردار می‌سازد.

از سوی دیگر اکو به بازار شرق آسیا با بیش از ۱/۵ میلیارد مصرف‌کننده، شبه‌قاره هند و قاره آفریقا از طریق آبراه‌های خلیج فارس و اقیانوس هند راه دارد که می‌تواند در گسترش مبادلات بازرگانی کشورهای عضو و توجیه‌پذیری سرمایه‌گذاری‌های مشترک، مؤثر باشد.

با وجود چنین فضا و موقعیت مساعدی برای گسترش زمینه‌های همکاری منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای که در دسترس اکو می‌باشد، این سازمان حتی در سال‌های اخیر نتوانسته است جایگاه مناسبی برای گسترش تجارت بین اعضایش ایجاد کند. از این رو بررسی موانع همکاری در اکو کاملاً ضروری است. این موانع را به‌طور اختصار می‌توان به وجود اختلافات مرزی، جنگ داخلی در برخی کشورهای عضو، تفاوت نظام‌های سیاسی کشورهای عضو، فقدان ثبات سیاسی و امنیت در برخی کشورهای عضو، نفوذ قدرتهای خارجی در برخی از کشورهای عضو و تشدید رقابت در منطقه، ضعف تفکر فراملی، ملی‌گرایی و قومیت‌گرایی در برخی از کشورهای عضو، تعهدات فرامنطقه‌ای برخی اعضا، نبود نهادهای لازم برای حمایت از روابط تجاری منطقه‌ای در برخی کشورهای عضو، فقدان اطمینان برخی اعضا نسبت به نیت کشورهای عضو دیگر و عدم وابستگی متقابل اقتصادی نسبت داد.

با وجود اختلافات میان ملاحظات سیاسی کشورهای عضو، توجه به این نکته که اکو یک سازمان منطقه‌ای اقتصادی است، ضروری می‌باشد. کشورهای عضو اکو به‌ویژه بنیان‌گذاران آن (ترکیه، پاکستان و جمهوری اسلامی ایران) می‌بایست به مقتضیات وجود این پیمان منطقه‌ای، توجه خاص داشته

باشند. دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی پایدار در کشورهای عضو اکو، مهمترین هدفی است که می‌بایست دنبال شود. با این وجود عوامل اقتصادی، خود یکی از علل عدم دستیابی به جایگاه مناسب برای اکو می‌باشد.

وجود سیستم‌های اقتصادی متفاوت در کشورهای عضو اکو حتی در بین کشورهای بنیانگذار آن عامل مهمی است. تفاوت سهم بخش دولتی در تولید و ضرورت افزایش سهم بخش خصوصی در اقتصاد می‌بایست مدنظر قرار گیرد. پس از پیوستن کشورهای آسیای مرکزی به اکو، اگرچه بازار بزرگتر با توانمندی بیشتر در اختیار اکو قرار گرفته، اما تفاوت ساختار اقتصادی کشورهای عضو موانع عمده‌ای در گسترش مناسبات بازرگانی میان اعضای این سازمان بوده است.

تفاوت میان سطح توسعه و نیز فرصت‌های تجاری و اقتصادی، مکمل نبودن اقتصاد کشورهای عضو اکو (اقتصاد تک‌محصولی وابسته به صدور مواد خام)، موانع سرمایه‌گذاری و کمبود منابع سرمایه، فقدان مقررات مشابه ناظر بر سرمایه‌گذاری در کشورهای عضو از موانع اصلی تحرک بیشتر اکو می‌باشند.

دست‌اندرکاران تجارت با کشورهای عضو اکو، عوامل متعددی را مانع از گسترش مناسبات تجاری این بلوک می‌دانند که عمده‌ترین آنها عبارتند از: تغییرات مستمر در مقررات و ایجاد موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای جدید، تغییرات مکرر قوانین و مقررات مربوط به صادرات و واردات، اجرای مقررات متفاوت در قبال کشورهای مختلف طرف معامله، نوپایی مؤسسات و نهادهای پشتیبانی از تجارت خارجی در کشورهای عضو به‌ویژه اعضای تازه‌وارد به اکو، فعالیت بورس کالاها در برخی کشورهای عضو و اثرات منفی آن بر مبادلات

تجاری، تسویف غیرقانونی کالاها و اسکورت کامیون‌ها، وضع و اخذ عوارض و مالیات‌های متعدد، اعمال مقررات بهداشتی و استانداردهای ویژه در برخی کشورهای عضو، فقدان رابطه قضایی مطلوب بین ایران و جمهوری‌های آسیای میانه، مشکل تبدیل پول ملی اعضای آسیای میانه‌ای اکو به ارزهای معتبر، مبادله غیرقانونی کالا در برخی مرزها میان اعضا، فقدان نظام حمل و نقل کارآ و مؤثر میان اعضا و...

با وجود این موانع، توافقاتی به‌دست آمده در نشست‌های گوناگون سران و وزرای خارجه اعضای اکو در سال‌های اخیر نیز به‌طور کامل و مؤثر تحقق نیافته است.

در دومین نشست سران اکو در استانبول در ژوئیه ۱۹۹۳ (تیرماه ۷۲)، آنها ضمن در نظر گرفتن اهداف و آرمان‌های سازمان همکاری اقتصادی که در معاهده از میر آمده است و با یادآوری قرابت فرهنگی و تاریخی دیرینه مردم کشورهای عضو اکو، آگاهی از تحولات سریع جهان که تأثیر مستقیم بر منطقه اکو دارد و با تشخیص این موضوع که صلح و ثبات جهانی برای توسعه اقتصادی امری اجتناب‌ناپذیر است، بر ارتقاء رفاه اجتماعی و اقتصادی مردم منطقه از طریق افزایش همکاری‌های مشترک تأکید کردند.

آنها از گسترش سازمان همکاری اقتصادی به یک اجتماع بزرگتر منطقه‌ای متشکل از ۱۰ کشور با دیدگاه مشترک برای سعادت و پیشرفت آینده استقبال کردند و بار دیگر بر اصول همکاری‌های مندرج در بیانیه اولین اجلاس سران اکو در تهران و بیانیه اجلاس سران کشورهای منطقه در عشق‌آباد تأکید نمودند.

آنها همچنین موافقت کردند که می‌بایست توصیه‌هایی به منظور شرکت حداکثر بخش خصوصی در فعالیت‌های

اقتصادی منطقه تنظیم گردد، زیرا فعالیت‌های بخش خصوصی نقش عمده‌ای در امکان توسعه اقتصادی اعضا و ورود آنان به اقتصاد جهانی ایفا می‌کند.

آنها همچنین موافقت کردند که سیاست‌های اقتصادی کشورهای عضو اکو در جهت استفاده بهتر از منابع انسانی و مادی منطقه به منظور ارتقای اقتصادی توده مردم هماهنگ

گردد. آنها با ایجاد زیربنای مؤثر و نوین که کشورهای عضو را به یکدیگر پیوند دهد و زمینه دستیابی به سایر مناطق جهان را نیز فراهم سازد، موافقت کردند.

سران اکو ضمن قایل شدن اولویت بالایی جهت آزادسازی تجارت و ایجاد مؤسسات مالی به منظور رشد مستمر اقتصادی در منطقه بر ضرورت توسعه عمیق تر ارتباطات اقتصادی و بازرگانی بین اعضا تأکید کردند.

در سومین نشست سران اکو در اسلام‌آباد در مارس ۱۹۹۵، به منظور دستیابی به رشد اجتماعی، اقتصادی و بهبود کیفیت زندگی برای جمعیت ۳۰۰ میلیونی منطقه اکو و با توجه به تغییرات سریع شرایط اقتصادی منطقه و بین‌المللی، توافق‌های تازه‌ای میان اعضا به عمل آمد.

اقدامات عملی برای تقویت نقش اکو به عنوان محملی برای گسترش همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای، مدنظر سران اکو قرار گرفت. به همین منظور با تقویت همکاری به‌ویژه در بخش‌های توسعه ارتباطات زیربنایی (حمل و نقل و ارتباطات)، تسهیل در امر تجارت و سرمایه‌گذاری، انرژی، اکولوژی و حفظ

محیط زیست موافقت نمودند. امضاء موافقتنامه‌های تجارت ترانزیت، تسهیل صدور روادید برای بازرگانان، اساسنامه شرکت کشتیرانی اکو، موافقتنامه بانک

○ موافقتنامه ازمیر در سال ۱۹۷۶ ضرورت تجدید سافتار همکاری میان ایران، پاکستان و ترکیه را تصریح کرد که مهمترین بخش آن ایجاد منطقه آزاد تجاری آ.آ.سی.دی ظرف یک دوره ده‌ساله بود. اما بروز تمولات سیاسی در کشورهای عضو، مانع از تحقق آن شد.

تجارت و توسعه اکو، یادداشت تفاهم شرکت بیمه اتکایی اکو، موافقتنامه تأسیس خط هوایی اکو، منشور بنیاد علمی اکو، منشور مؤسسه فرهنگی اکو، یادداشت تفاهم همکاری بین اکو و برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP) و یادداشت تفاهم همکاری بین اکو و برنامه کنترل مواد مخدر سازمان ملل، دستاورد اجلاس سران در اسلام‌آباد بود.

با وجود چنین توافقی‌هایی که می‌تواند زمینه گسترش همکاری‌های اقتصادی در بخش‌های بازرگانی، صنعتی، سرمایه‌گذاری مشترک و... را تحکیم بخشد، اما مناسبات اقتصادی میان اعضا اکو در حد قابل قبول توسعه نیافته است.

با وجود تأکیدی که جمهوری اسلامی ایران برای گسترش مناسبات تجاری خود با کشورهای عضو اکو دارد، براساس آمارهای موجود، ارزش واردات ایران از دیگر اعضای اکو از ۷۱۹/۸ میلیون دلار در سال ۱۹۹۵ به ۷۱۷ میلیون دلار در سال ۱۹۹۶ کاهش یافت. اما صادرات ایران به کشورهای مورد بحث در همین دوره زمانی از ۵۷۹/۲ میلیون دلار به حدود ۷۲۹/۲ میلیون دلار رسید. کارشناسان عقیده دارند که برای

گسترش مناسبات اقتصادی و بازرگانی میان اعضای اکو ایجاد ثبات در قوانین و مقررات تجاری در کشورهای عضو، انتشار سریع و کامل اطلاعات تجاری،

اعلام تدابیر و مقررات حمایتی هر کشور عضو به دبیرخانه جهت اطلاع‌رسانی به سایر کشورهای عضو، تعیین سقف حداقل حجم تجارت

درون منطقه‌ای در

دوره‌های یکساله، توسعه همکاری‌های اقتصادی از طریق سرمایه‌گذاری مشترک در پروژه‌های صنعتی و کشاورزی با استفاده از معافیت مالیاتی و تضمین انتقال سود حاصل از آن، ایجاد نمایشگاه، هماهنگی میان گمرکات، جلوگیری از وضع عوارض یا اقدامات محدودکننده و تسهیل ترانزیت کالا میان اعضا ضرورت دارد.

توجه به این نکته که بررسی‌های آماری نشان می‌دهد تجارت میان اعضای اکو از سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۶ به ۱۰ درصد تجارت خارجی این کشورها نرسیده، حایز اهمیت است.

کارشناسان عقیده دارند، برای آنکه اکو بتواند جایگاه مناسبی در گسترش مبادلات منطقه‌ای ایفا کند، ضرورت دارد حجم مبادلات بازرگانی میان اعضای آن دست‌کم به ۳۰ درصد ارزش تجارت خارجی‌شان برسد. بدین منظور تلاش برای اجرایی نمودن توافقی‌های گذشته اکو ضرورت دارد.

